

تأثیر بیش‌ارزش‌گذاری ریال بر میزان و ساختار حمایت داخلی در بخش کشاورزی ایران

امید گیلانپور و مینا حجازی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۶

چکیده

در این مقاله چگونگی تأثیرپذیری معیار کلی حمایت به عنوان شاخص اندازه‌گیری میزان حمایت از بخش کشاورزی از متغیر نرخ ارز به صورت تئوریک مورد توجه قرار گرفته و تأثیر بیش‌ارزش‌گذاری ریال بر میزان و ساختار حمایت از بخش کشاورزی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ اندازه‌گیری شده است. نتایج این مقاله بیانگر آن است که ارزش‌گذاری بیش از حد ریال، سبب بیش‌برآوردی معیار کلی حمایت در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ و در مقابل کم‌برآوردی آن در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ شده است. این امر نشان می‌دهد که برآیند اثر سیاست قیمت‌گذاری نرخ ارز بر میزان حمایت داخلی از محصولات کشاورزی نه تنها متناظر شیوه‌ی اعمال حمایت داخلی (غلبه‌ی حمایت قیمتی از محصول بر نهاده‌ای یا بر عکس) است بلکه از میزان تغییر در حمایت‌های قیمتی و نهاده‌ای ناشی از انحراف نرخ ارز نیز تأثیر می‌پذیرد.

طبقه‌بندی Q18 ، F13 ، F31:JEL

واژه‌های کلیدی: نرخ ارز، موافقت‌نامه‌ی کشاورزی، معیار کلی حمایت، ایران

* به ترتیب استادیار و مدیر گروه پژوهشی بازاریابی و تجارت خارجی و کارشناس ارشد موسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه‌ی روستایی

E-mail: omid.gilanpour@gmail.com

نویسندگان از آقای مهندس ولی‌الله فریادرس به سبب ارایه‌ی دیدگاه‌های ارزش‌مندان سپاس‌گزارند. یافته‌ها، تعبیرات و نتایج این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و به طور الزامی نظرهای موسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه‌ی روستایی نیست.

مقدمه

کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در موافقت‌نامه‌ی کشاورزی موظفند در سه حوزه‌ی گوناگون یعنی حمایت‌های داخلی^۱، دسترسی به بازار^۲ و یارانه‌های صادراتی^۳ تعهدهایی را بپذیرند. در این تعهدها نه تنها بایستی سطح حمایت‌ها محدود شود، بلکه باید کم‌کم کاهش هم پیدا کند. هر دو وجه این تعهدها یعنی محدود کردن میزان حمایت‌ها به یک سقف معین و کاهش تدریجی سقف تعهد شده تحت تاثیر نرخ ارز (یا به عبارت روشن‌تر چگونگی ارزش‌گذاری پول ملی) قرار دارد؛ اما نکته‌ی جالب آن است که به این عامل در موافقت‌نامه‌ی کشاورزی، بسیار سطحی پرداخته شده است به گونه‌ای که بی‌توجهی به آن را می‌توان یکی از غفلت‌های بسیار مهم موافقت‌نامه‌ی کشاورزی در اروگوئه برشمرد. بی‌توجهی به چنین عوامل انحرافی می‌تواند از قدرت سازمان جهانی تجارت در شفاف‌سازی فضای تجاری بکاهد (WTO, G/AG/NG/W/73, 2000).

در پیوست ضمیمه‌ی ۵ موافقت‌نامه‌ی کشاورزی این نکته وجود دارد که کشورهای عضو، متعهد به شناورسازی رژیم ارزی خود هستند و فرض مداخله نکردن دولت‌ها در بازار شناور ارز به صراحت از قیمت بازاری نرخ ارز یاد می‌کند. اما واقعیت آن است که دولت‌ها در بازار شناور ارز مداخله می‌کنند و قرض انجام شده به شدت قابل خدشه است. افزون بر این حتی اگر دولت‌ها بعد از عضویت در سازمان جهانی تجارت، در بازار ارز مداخله نکنند - که البته می‌کنند - نمی‌توان از تاثیر نرخ ارز منحرف شده قبل از عضویت بر میزان حمایت تثبیت شده در زمان الحاق به سازمان جهانی تجارت چشم‌پوشی کرد.

گوپر و هم‌کاران^۴ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ی خود برای مورد مجارستان بدون اشاره به تاثیر ساختار حمایت بر شیوه‌ی تاثیرگذاری سیاست قیمت‌گذاری نرخ ارز، نشان دادند که حمایت قیمتی از تولیدکننده در شرایط ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی در مجارستان، موجب

1-Domestic Support

2-Market Access

3-Export Subsidy

4 -Gábor and et al

بیش‌برآوردی معیار کلی حمایت در این کشور شده است. ولی در این مطالعه میزان این بیش‌برآوردی و تأثیر آن بر ساختار حمایت داخلی در این کشور مورد غفلت واقع شده است. برینک^۱ (۲۰۰۵) نیز به اهمیت نرخ ارز در محاسبه‌ی میزان کلی حمایت توجه کرده ولی هیچ اشاره‌ای به تأثیر انحراف نرخ ارز بر میزان و ساختار حمایت داخلی نکرده است. شنپف^۲ (۲۰۰۵) نشان داد که کاهش ارزش دلار سبب افزایش میزان معیار کلی حمایت در برخی کشورها شده ولی چگونگی تأثیر این امر بر ساختار حمایت کشورهای مورد بررسی مغفول مانده است. گیلانپور (۲۰۰۷) به بررسی تئوریک چگونگی تأثیرپذیری حمایت داخلی از نرخ ارز پرداخت و نشان داد که برآیند اثر سیاست قیمت‌گذاری نرخ ارز بر میزان حمایت داخلی از محصولات کشاورزی خود متأثر از شیوه‌ی اعمال حمایت داخلی است.

تورم و مداخله‌ی دولت در بازار ارز برای تثبیت و یا تقویت ارزش ریال دو مولفه‌ای است که طی چهار دهه‌ی گذشته همواره در اقتصاد ایران وجود داشته است. تأثیرپذیری تعهدات کاهشی کشورمان در چارچوب مذاکرات پیوستن به سازمان جهانی تجارت مساله‌ای است که پیش از این نیز مورد توجه قرار گرفته است، (گیلانپور، ۲۰۰۶؛ پرمه و سیدی، ۱۳۸۴؛ کميجانی و هم‌کاران، ۱۳۸۱).

در این مقاله اثر نرخ ارز بر حمایت داخلی مورد توجه قرار گرفته و تأثیر آن بر اندازه و ساختار حمایت در بخش کشاورزی ایران اندازه‌گیری شده است.

روش تحقیق

میزان حمایت داخلی که بر حسب "معیار کلی حمایت"^۳ اندازه‌گیری می‌شود، ارزش پولی یارانه‌های پرداختی به تولیدکنندگان را نشان می‌دهد. این حمایت‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد: حمایت‌های متناسب به محصول و حمایت‌های عامی که مختص هیچ محصول خاصی نیست (غیر متناسب به محصول)، (رابطه‌ی ۱). حمایت متناسب به محصول،

1-Brink

2-Schnepf

3-Aggregate Measurement of Support

خود شامل حمایت‌های قیمتی از محصول و پرداخت یارانه به نهاده‌های تولیدی است (رابطه‌ی ۲).

$$TAMS = \sum_{i=1}^n AMS_i + \sum_{k=1}^k EMS_k \quad (1)$$

$$AMS_i = (P_{id} - P_{iw}e)Q_i + \sum_{j=1}^m S_{ij} \quad (2)$$

$$S_j = (r_{jw}e - r_{jd})q_j \quad (3)$$

$$AMS_i = (P_{id} - P_{iw}e)Q_i + \sum_{j=1}^m (r_{jw}e - r_{jd})q_j \quad (4)$$

که در آن‌ها:

TAMS: مجموع معیار کلی حمایت

AMS_i: معیار کلی حمایت مربوط به محصول i

EMS: معادل معیار کلی حمایت غیر منتسب به محصول خاص

P_{di}: قیمت داخلی محصول i

P_{iw}: قیمت جهانی محصول i

r_{jw}: قیمت جهانی نهاده‌ی j

r_{jd}: قیمت داخلی نهاده‌ی j

e: نرخ ارز

Q_i: مقدار محصول I مشمول قیمت حمایتی

q_j: مقدار نهاده‌ی j مشمول دریافت یارانه و

S_{ji}: مقدار یارانه‌ی پرداختی به نهاده‌ی j منسوب به محصول i است.

هر دو بخش حمایت‌های قیمتی از محصول و پرداخت یارانه به نهاده‌های تولیدی، تحت تاثیر چگونگی ارزش‌گذاری پول ملی قرار دارند، ولی چگونگی این تاثیرپذیری به طور کامل با هم متفاوت است. همان‌طور که در رابطه‌ی ۲ دیده می‌شود، افزایش ارزش پول ملی سبب

1-Total Aggregate Measurement of Support

2-Equivalent Measurement of Support

ارزان‌تر شدن کالای مشابه خارجی می‌شود و با فرض ثابت ماندن قیمت حمایتی داخلی، شکاف قیمتی افزایش می‌یابد و میزان حمایت قیمتی از محصول یعنی بخش اول رابطه‌ی ۲ بیش‌تر می‌شود و برعکس، کاهش ارزش پول ملی موجب گران‌تر شدن کالای مشابه خارجی شده و با کم کردن شکاف قیمتی سبب کاهش میزان حمایت قیمتی می‌شود. اما تأثیر نرخ ارز بر میزان حمایت نهاده‌ای - اعم از قابل یا غیر قابل استناد به محصول (جز دوم رابطه‌ی ۴ و یا رابطه‌ی ۳) - به طور کامل برعکس است. زیرا افزایش ارزش پول ملی سبب ارزان‌تر شدن نهاده‌ی مشابه خارجی شده و از آن جایی که برای حمایت از بخش کشاورزی، قیمت نهاده‌ی کشاورزی در داخل کم‌تر از قیمت جهانی آن است؛ با فرض ثابت ماندن قیمت حمایتی نهاده، شکاف قیمتی کاهش یافته و میزان حمایت نهاده‌ای کم‌تر می‌شود. برآیند اثر سیاست قیمت‌گذاری نرخ ارز بر میزان حمایت داخلی از محصولات کشاورزی خود متاثر از شیوه‌ی اعمال حمایت داخلی است. چون هرگاه سهم حمایت‌های قیمتی از کل حمایت بیش‌تر از حمایت‌های نهاده‌ای باشد، ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی سبب افزایش معیار کلی حمایت شده و در نقطه‌ی مقابل، هرگاه سهم حمایت‌های نهاده‌ای از کل حمایت بیش‌تر از حمایت‌های قیمتی باشد، ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی سبب کاهش معیار کلی حمایت می‌شود.

تورم و مداخله‌ی دولت در بازار ارز برای تثبیت و یا تقویت ارزش ریال دو مولفه‌ای است که طی چهار دهه‌ی گذشته همواره در اقتصاد ایران وجود داشته است. چرایی وجود و تداوم این دو پدیده در اقتصاد ایران موضوعات بسیار مهمی است که تا کنون بسیار به آن پرداخته شده است و بعد از این نیز می‌باید به آن پرداخت. اما در این جا تلاش می‌کنیم تا با استفاده از الگوی برابری قدرت خرید^۱ و قاعده‌ی وجود یک قیمت، میزان بیش‌ارزش‌گذاری ریال در ایران را مورد توجه قرار دهیم.

قاعده‌ی "وجود یک قیمت" متضمن آن است که نرخ ارز به صورت خودکار تعدیل شود. اگر تنها یک کالا در جهان وجود داشت، نرخ ارز می‌باید برای همان یک کالا تعدیل می‌شد. اما

1-Purchase Power Parity

در دنیای بی‌شمار کالایی امروز، این تعدیل در مورد سطح عمومی قیمت‌ها رخ می‌دهد. به سخن دیگر تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها (تغییرات تورم) در دو کشور، سبب تغییر در نرخ ارز است. این مساله را می‌توان به شکل زیر نشان داد:

$$(1 + \pi_w) = (1 + \pi_d)(1 + \sigma) \quad (5)$$

که در آن π_w و π_d به ترتیب نرخ تورم داخلی و خارجی و σ نشان میزان تغییر در ارزش پول ملی است. رابطه‌ی ۵ نشان می‌دهد که اگر میزان تورم در داخل کشور بیش‌تر از تورم در خارج باشد، ارزش پول ملی می‌باید کاهش یابد که این امر به معنای افزایش نرخ ارز است. به این ترتیب نرخ ارز واقعی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$e^* = e / (1 + \sigma) \quad (6)$$

که در آن e^* و e به ترتیب نرخ ارز حقیقی و واقعی است. روشن است که این شرایط تنها وقتی درست است که دولت‌ها در بازار ارز مداخله نکنند. در این شرایط می‌توان بر اساس بند ۳ پیوست ضمیمه‌ی ۵ موافقت‌نامه‌ی کشاورزی، برای تبدیل قیمت کالاهای کشاورزی خارجی به پول داخلی از متوسط نرخ ارز بازاری استفاده کرد.

$$P_d = P_w e \quad (7)$$

که در آن P_d و P_w به ترتیب قیمت داخلی و خارجی بوده و e نشان‌دهنده‌ی نرخ ارز است.

نتایج و بحث

در بسیاری از کشورها، دولت‌ها مبادرت به مداخله در بازار ارز می‌کنند. ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. اما با نگرش به گستردگی مداخلات دولت در اقتصاد ایران می‌توان انتظار داشت که حجم مداخلات در بازار ارز نیز اندک نباشد. برای اندازه‌گیری میزان انحراف ناشی از مداخله‌ی دولت در بازار، در جدول (۱) در کنار روند قیمت دلار در بازار آزاد طی سال‌های ۱۳۷۱ به بعد، نرخ تورم در ایران و ایالات متحده مقایسه شده است. دقت در ستون دوم این جدول نشان می‌دهد که دولت دو بار در سال‌های ۷۲ و ۸۱ به واسطه‌ی شکاف عظیم ایجاد

شده بین قیمت رسمی و بازاری دلار دست به کاهش رسمی ارزش پول ملی زده است. به واسطه‌ی مداخله‌ی دایمی دولت در بازار ارز ایران، در این مقاله به ناچار فرض شده است که قیمت تعیین شده برای دلار در سال ۱۳۷۲ با ارزش حقیقی آن برابر بوده و با این فرض، قیمت حقیقی دلار بر اساس روش "برابری قدرت خرید" طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۴ محاسبه و در ستون آخر جدول (۱) ارایه شده است. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ ریال، بین ۱۲ تا ۷۸ درصد بیش‌ارزش‌گذاری شده و بار دیگر میزان این بیش‌ارزش‌گذاری نیز در حال افزایش است.

جدول (۱). مقایسه‌ی ارزش واقعی و حقیقی دلار در ایران بر اساس روش "برابری قدرت خرید" به دلیل تفاوت نرخ تورم در ایران و ایالات متحده ۸۴-۱۳۷۱

درصد بیش ارزش‌گذاری ریال	ارزش حقیقی دلار برحسب قدرت برابری خرید	نرخ تورم در		ارزش اسمی دلار ^a	سال
		امریکا ^c	ایران ^b		
-	-	۳.۱۱	۲۴.۴	۶۵.۷۲	۱۳۷۱
۵.۸۱	۱۷۵۵	۵.۴۳	۲۲.۹	۱۶۵۳	۱۳۷۲
۲۴.۲۹	۲۳۱۱.۵۱	۲.۶۵	۳۵.۲	۱۷۵۰	۱۳۷۳
۴۷.۸۹	۳۳۵۸.۳۵	۲.۸۳	۴۹.۴	۱۷۵۰	۱۳۷۴
۵۹.۳۳	۴۳۱۲.۵۲	۲.۹۵	۳۲.۲	۱۷۵۴	۱۳۷۵
۶۴.۶۴	۴۹۶۳.۹۳	۱.۸۲	۱۷.۲	۱۷۵۵	۱۳۷۶
۶۹.۶۰	۵۷۷۲.۳۵	۱.۵۶	۱۸.۱	۱۷۵۵	۱۳۷۷
۷۳.۹۷	۶۷۴۱.۹۷	۲.۸۳	۲۰.۱	۱۷۵۵	۱۳۷۸
۷۶.۰۹	۷۳۴۰.۲۳	۳.۴۲	۱۲.۶	۱۷۵۵	۱۳۷۹
۷۸.۰۴	۷۹۹۳.۱۷	۲.۳۰	۱۱.۴	۱۷۵۵	۱۳۸۰
۱۲.۱۱	۹۰۵۵.۴۹	۱.۹۹	۱۵.۸	۷۹۵۸	۱۳۸۱
۱۹.۴۸	۱۰۲۸.۵۵	۲.۰۰	۱۵.۶	۸۲۸۲	۱۳۸۲
۲۴.۲۲	۱۱۵۰۴.۹۶	۲.۹۹	۱۵.۲	۸۷۱۸	۱۳۸۳
۲۷.۵۶	۱۲۴۵۶.۱۱	۳.۵۴	۱۲.۱	۹۰۲۳	۱۳۸۴

b بانک مرکزی ج.ا. ایران

ماخذ: a بانک مرکزی ج.ا. ایران

c محاسبه شده به وسیله‌ی نویسندگان برای سال شمسی بر اساس www.inflationData.com

حمایت‌های مختل‌کننده‌ی تجارت از بخش کشاورزی ایران هم‌چون بسیاری از کشورهای جهان به دو صورت کلی انجام می‌گیرد. نخست حمایت قیمتی که به طور عمده به صورت تضمین خرید محصولات کشاورزی انجام می‌شود. دوم حمایت نهاده‌ای از تولیدکنندگان بخش کشاورزی که به صورت توزیع یارانه‌ای نهاده‌های تولید صورت می‌گیرد. نهاده‌هایی که به صورت یارانه‌ای در اختیار تولیدکنندگان بخش کشاورزی ایران قرار می‌گیرد خود به دو دسته‌ی عمومی تقسیم می‌شود. دسته‌ی اول نهاده‌هایی که مختص تولید بخش کشاورزی است و دیگر بخش‌های اقتصادی در مصرف آن رقیب بخش کشاورزی نیستند (مثل انواع سم‌ها و کودهای شیمیایی) و دسته‌ی دوم نهاده‌هایی که بخش کشاورزی در مصرف آن‌ها رقیب دیگر بخش‌های اقتصادی است (مثل آب، حامل‌های انرژی و اعتبارات). تفکیک نهاده‌های تولید به صورت بالا از آن رو دارای اهمیت است که به ما کمک می‌کند از بیش برآوردی میزان حمایت انجام شده از بخش کشاورزی ایران پرهیز کنیم.

مداخلات گسترده‌ی دولتی در اقتصاد ایران سبب شده تا تمامی بخش‌های اقتصادی در کشور به طور اساسی بسیاری از نهاده‌های عمده‌ی تولیدی را به صورت یارانه‌ای دریافت کنند. برای نمونه، حامل‌های انرژی با قیمتی به مراتب پایین‌تر از قیمت‌های جهانی در اختیار بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی ایران قرار می‌گیرد. روشن است که این بخش از یارانه‌ها مختص بخش کشاورزی نبوده و نمی‌توان آن‌ها را در شمار حمایت از بخش کشاورزی محاسبه کرد. زیرا بر اساس بند ۲ ماده‌ی ۲ موافقت‌نامه‌ی یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^۱، شرط یارانه محسوب شدن هرگونه پرداخت انتقالی خاص بودن آن است و کل پرداخت‌های انتقالی دولت ایران برای این گونه از نهاده‌ها خاص بخش کشاورزی نیست. در این موارد تنها آن بخش از پرداخت انتقالی که مازاد بر سایر بخش‌ها در اختیار بخش کشاورزی قرار گرفته به عنوان یارانه‌ی خاص بخش کشاورزی در نظر گرفته شده است.

در این مطالعه معیار کلی حمایت در بخش کشاورزی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ به تفکیک حمایت‌های قیمتی و نهاده‌ای محاسبه شده است. حمایت‌ها به دو دسته‌ی حمایت‌های

1-Agreement on Subsidies and Countervailing Measures

قیمتی و نهاده‌ای تقسیم‌بندی شده است. حمایت‌های قیمتی برای تمامی محصولات محاسبه شد که دولت برای آن‌ها قیمت تضمینی اعلام و اعمال کرده بود. به دلیل نبود آمار تفکیکی برای میزان نهاده‌ی مصرفی برای تولید هر محصول در کشور، این نوع حمایت به صورت حمایت نهاده‌ای غیر قابل استناد به محصول خاص محاسبه شد. این امر به عنوان یک رویه در محاسبات معیار کلی حمایت معمول است.

نهاده‌های مختص بخش کشاورزی همگی قابل تجارت هستند و تفاوت قیمت سیف وارداتی با قیمت توزیعی در مقدار توزیع آن به عنوان یارانه در نظر گرفته شد. برخی از نهاده‌های غیراختصاصی بخش کشاورزی مثل حامل‌های انرژی قابل تجارت و برخی دیگر مثل آب و اعتبارات (به دلیل شرایط خاص نظام بانکی در ایران) غیر قابل تجارت هستند. اما به دلیل غیرخاص بودن پرداخت انتقالی در مورد همه‌ی این نهاده‌ها، مقدار یارانه‌ی آن‌ها به صورت مابه‌التفاوت قیمت پرداختی از سوی کشاورزان با متوسط قیمت پرداختی توسط سایر بخش‌ها به عنوان یارانه‌ی بخش کشاورزی محاسبه و منظور شد.

برای تعیین تأثیر نرخ ارز بر اندازه و ساختار حمایت از بخش کشاورزی ایران، تمامی محاسبات با دو نرخ بازار ارز کنترل شده و ارز آزاد (در صورت مداخله نکردن دولت در بازار ارز) تکرار شد.

جدول (۲). معیار کلی حمایت داخلی از بخش کشاورزی ایران به تفکیک حمایت قیمتی و

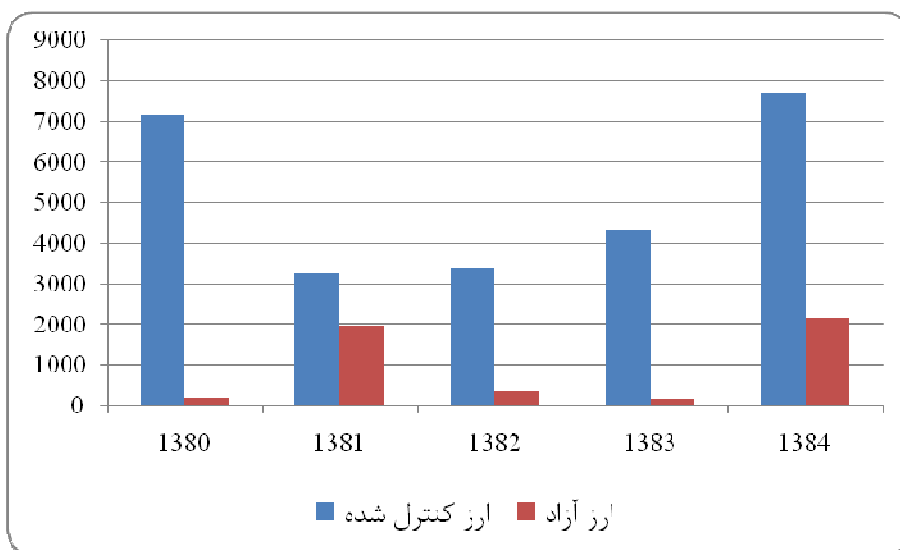
نهاده‌ای بر اساس ارز کنترل شده و آزاد طی دوره‌ی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ (میلیارد ریال)

معیار کلی حمایت	حمایت نهاده‌ای غیر قابل استناد به محصول ^۱		حمایت قیمتی		سال
	ارز آزاد	ارز کنترل شده	ارز آزاد	ارز کنترل شده	
ارز آزاد	۱۲۵۷۳	۱۲۳۳۵	۱۲۳۶۷	۵۱۷۶	۱۳۸۰
	۱۵۳۰۵	۱۵۳۳۵	۱۳۳۱۱	۱۲۰۸۴	۱۳۸۱
	۱۸۱۸۸	۱۸۵۷۴	۱۷۸۳۹	۱۵۱۶۹	۱۳۸۲
	۲۵۳۹۵	۲۴۶۷۰	۲۵۲۱۶	۲۰۳۲۸	۱۳۸۳
	۴۴۹۴۸	۴۱۷۳۸	۴۲۷۵۲	۳۴۰۳۶	۱۳۸۴

ماخذ: محاسبات تحقیق

جدول (۲) معیار کلی حمایت داخلی از بخش کشاورزی ایران به تفکیک حمایت قیمتی و نهاده‌ای را طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ بر اساس نرخ ارز در بازار کنترل شده و آزاد نشان می‌دهد. با دقت در ستون دوم جدول ۲ می‌توان دریافت که میزان حمایت قیمتی بر اساس نرخ ارز آزاد به نسبت ارز کنترل شده در سال ۱۳۸۱ در شرایطی که دولت ارزش پول ملی را ۳۵۰ درصد کاهش داده بود، تنها ۵۵ درصد کاهش یافت که نشان‌دهنده‌ی افزایش واقعی میزان حمایت قیمتی در سال ۱۳۸۱ است. این موضوع را می‌توان به وضوح در ستون سوم این جدول دید. در عین حال بر اساس این نرخ ارز مقدار مطلق حمایت قیمتی در سال ۸۴ به نسبت سال ۱۳۸۱ تنها ۷ درصد رشد یافته است. اما مقایسه‌ی ستون دوم و سوم این جدول بیانگر چند نکته است. نخست آن که ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی موجب بیش‌برآوردی حمایت قیمتی شده به گونه‌ای که میزان این بیش‌برآوردی طی دوره‌ی مورد بررسی بین ۶۳ تا ۳۳۷۸ درصد در نوسان بوده است. دیگر آن که بر حسب نرخ ارز آزاد، مقدار مطلق حمایت قیمتی در سال ۱۳۸۴ به نسبت سال ۱۳۸۱، ۹۶۷ درصد رشد داشته است. نمودار (۱) این موضوع را به‌تر نشان می‌دهد.

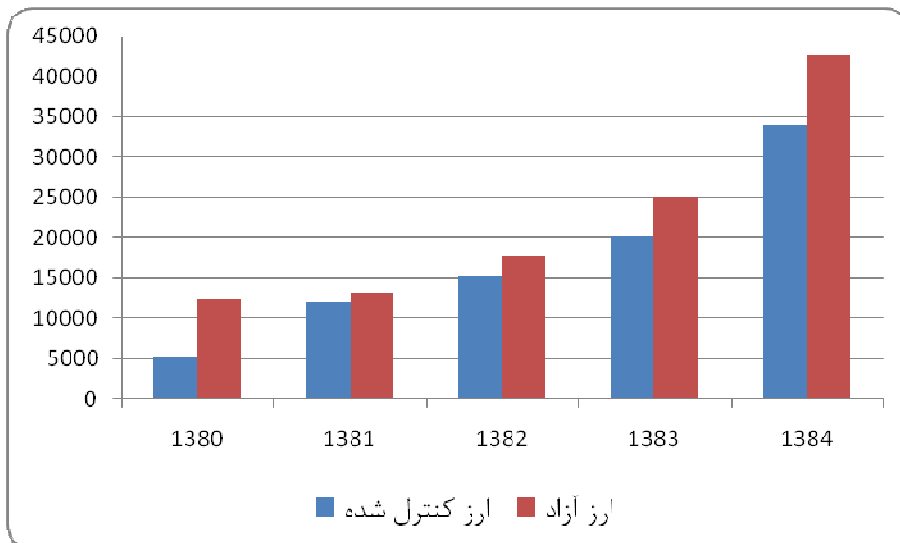
ستون چهارم جدول (۲) نشان می‌دهد که میزان حمایت نهاده‌ای بر اساس نرخ ارز کنترل شده طی دوره‌ی مورد بررسی حدود ۶.۶ برابر شده است. در سال ۱۳۸۱ بر خلاف کاهش ۳۵۰ درصدی ارزش پول ملی از سوی دولت، میزان حمایت نهاده‌ای بر اساس نرخ ارز کنترل شده تنها حدود ۲.۳ برابر شد که علت آن را باید در سهم حمایت از نهاده‌های غیر قابل تجارت از کل حمایت نهاده‌ای جست‌وجو کرد. مقایسه‌ی این ستون با ستون پنجم جدول به ما نشان می‌دهد که ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی موجب کم‌برآوردی حمایت نهاده‌ای شده به گونه‌ای که میزان این کم‌برآوردی طی دوره‌ی مورد بررسی بین ۹.۲ تا ۵۸ درصد در نوسان بوده است. در عین حال سرعت رشد حمایت نهاده‌ای بر اساس نرخ ارز آزاد کم‌تر از حالتی است که میزان حمایت بر اساس نرخ ارز کنترل شده، محاسبه شود؛ به شکلی که میزان حمایت نهاده‌ای در سال انتهایی تنها حدود ۳.۵ برابر سال ابتدایی است. این نکته‌ها به خوبی در نمودار (۲) دیده می‌شود.



نمودار (۱). مقایسه‌ی میزان حمایت قیمتی بر اساس ارز کنترل شده و آزاد طی دوره‌ی ۸۴-۱۳۸۰

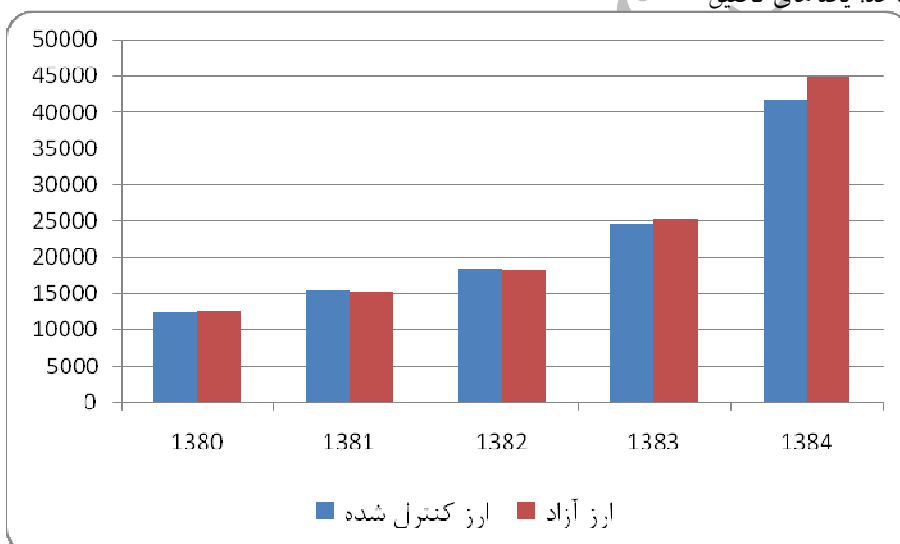
ماخذ: یافته‌های تحقیق

سرانجام توجه به دو ستون پایانی جدول (۲) نشان می‌دهد که ارزش‌گذاری بیش از حد ریال سبب شده تا سهم حمایت‌های قیمتی از کل حمایت‌های انجام شده از بخش کشاورزی ایران بیش از حد برآورد شود؛ به گونه‌ای که در دوره‌ی مورد بررسی، سهم متوسط حمایت قیمتی از کل حمایت انجام شده از بخش کشاورزی بر اساس نرخ ارز کنترل شده و آزاد به ترتیب ۲۶.۷ و ۴.۴ درصد بوده است. در عین حال این سیاست موجب بیش‌برآوردی معیار کلی حمایت در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و در مقابل کم‌برآوردی معیار کلی حمایت در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ شده است، نمودار (۳). این امر نشان می‌دهد که برآیند اثر سیاست قیمت‌گذاری نرخ ارز بر میزان حمایت داخلی از محصولات کشاورزی نه تنها متاثر از شیوه‌ی اعمال حمایت داخلی (غلبه‌ی حمایت قیمتی بر نهاده‌ای یا برعکس) است، بلکه از میزان تغییر در حمایت‌های قیمتی و نهاده‌ای ناشی از انحراف نرخ ارز نیز تأثیر می‌پذیرد.



نمودار (۲). مقایسه‌ی میزان حمایت نهاده‌ای بر اساس ارز کنترل شده و آزاد طی دوره‌ی ۸۴-۱۳۸۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق



نمودار (۳). مقایسه‌ی معیار کلی حمایت بر اساس ارز کنترل شده و آزاد طی دوره‌ی ۸۴-۱۳۸۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیش‌نهادها

از آن‌جا که کشورها در فرآیند عضویت در سازمان جهانی تجارت موظف به شناورسازی نرخ ارز هستند به طور معمول فرض می‌شود که دولت‌های عضو در بازار شناور ارز دخالت نمی‌کنند، اما واقعیت خلاف این امر است و فرض انجام شده به شدت قابل‌خنده است. افزون بر این حتی اگر دولت‌ها بعد از عضویت در سازمان جهانی در بازار ارز دخالت نکنند - که البته می‌کنند - نمی‌توان از تأثیر نرخ ارز منحرف شده قبل از دوران عضویت بر میزان حمایت تثبیت شده در زمان پیوستن به سازمان جهانی تجارت چشم‌پوشی کرد. ارزش‌گذاری بیش از حد ریال در ایران نمونه‌ی بارزی از این امر است.

ارزش‌گذاری بیش از حد ریال بر اندازه و ساختار حمایت از بخش کشاورزی موثر است. به نحوی بر اساس نتایج این مطالعه موجب بیش‌برآوردی حمایت قیمتی، کم‌برآوردی حمایت نهاده‌ای در تمامی دوره مطالعه و نهایتاً بیش‌برآوردی معیارکلی حمایت در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ و در مقابل کم‌برآوردی معیارکلی حمایت در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴ شده است. این امر نشان می‌دهد که برآیند اثر سیاست قیمت‌گذاری نرخ ارز بر میزان حمایت داخلی از محصولات کشاورزی نه تنها متأثر از شیوه اعمال حمایت داخلی (غلبه حمایت قیمتی بر نهاده‌ای یا برعکس) - آنگونه که گیلانپور (۱۳۸۶) نشان داد - می‌باشد، بلکه از میزان تغییر در حمایت‌های قیمتی و نهاده‌ای ناشی از انحراف نرخ ارز نیز تأثیر می‌پذیرد.

این نتیجه نشانگر آن است که در شرایط پیشی‌گرفتن میزان حمایت داخلی در کشور از حداقل سطح مجاز می‌توان با تأکید بر انحراف ایجاد شده در اثر بیش‌ارزش‌گذاری ریال در حین مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت امتیازات کمتری را اعطا کرد. در عین حال نسبت به کاهش حمایت‌های نهاده‌ای که سهم آنها بدلیل بیش‌ارزش‌گذاری ریال دچار کم‌برآوردی شده است، حساسیت بیشتری به خرج داد.

منابع

- پرمه، ز. و سیدی، ه. (۱۳۸۴) سازمان جهانی تجارت و کشاورزی ایران: فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، ۱ (۱): ۱-۳۴
- کمیجانی، ا.، گیلانپور، ا.، نوری، ک. و مقدسی، ر. (۱۳۸۰). مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- گیلانپور، ا.، حجازی، م. و کاظم نژاد، م. (۱۳۸۷). محاسبه معیار کلی حمایت در بخش کشاورزی ایران. موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. گزارش طرح پژوهشی.
- گیلانپور، ا. (۱۳۸۶) چگونگی تاثیرگذاری تورم بر بخش کشاورزی ایران در سازمان جهانی تجارت. مجله اقتصاد کشاورزی، ۱ (۲): ۳۶۱-۳۷۰
- Brink, L. (2005) WTO 2004 Agriculture Framework: Disciplines on Distorting Domestic Support, *International Agricultural Trade Research Consortium*.
- Gábor, J., Juhász, A., Kartali, J. and Jankuné, G.K. (2001) The Impact of the WTO Agreement on the present the future and the agenda of Hungarian agricultural policy, *Gazdalkodas*, 44(3):25-33.
- Gilanpour, O. (2006) Challenges of Iran's agriculture sector in accession process to the WTO. *Eighth European trade study meeting*, Vienna.
- Gilanpour, O. (2007) Exchange Rate Policy and its Effect on Agricultural Commitments in WTO, *USM-UPM-PETA Conference, Agriculture as a Business: The Paradigm and the Challenges*. Penang, Malaysia.
- Schnepf, R. (2005) Agriculture in the WTO: Member Spending on Domestic Support, *CRS Report for Congress*.
- WTO (1999) Notification Issues, G/AG/W/45
- WTO (1999) Summery report of the meting held on 29-30 Sep., G/AG/R/20
- WTO (2000) Fourth special session of the committee on agriculture, 15-17 Nov., Statement by Hungary, G/AG/NG/W/69
- WTO (2000) Fourth special session of the committee on agriculture 15-17 Nov., Statement by Japan, G/AG/NG/W/73
- WTO (2000) Fourth special session of the committee on agriculture 15-17 Nov., Statement by Norway, G/AG/NG/W/77
- WTO (2000) Inflation and Exchange rate movements in the context of Domestic Support Commitment, Background paper by secretariat, G/AG/NG/S/19
www.inflationData.com